

پنج‌شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۴ | ۶ صفر ۱۴۴۷

گزارش یک مهساگرندی

وضعیت ثبت‌نام دل‌بخواهی کلاس اولی‌ها از ۶ سال تمام تا ۷ سال تمام در گزارش «جوان»

اول ابتدایی هم ۶ سال هم ۷ سال!

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش در گفت‌وگو با «جوان»: طبق مصوبه، کودکان ۶ سال تمام باید در کلاس اول ثبت‌نام شوند و همه مدارس اعم از دولتی و غیردولتی، موظف به رعایت این قانون هستند. قرار نیست هر مدرسه، قانون مجزای خودش را داشته باشد!

کمتر از دو ماه تا آغاز سال تحصیلی جدید باقی مانده؛ زنگ مدرسه به‌زودی برای نوآموزانی به صدا درمی آید که قرار است اولین گام‌هایشان را به‌سوی دنیای آموزش رسمی بردارند. در این میان، اما اتفاقی عجیب در حال رخ‌دادن است؛ تمامی دانش‌آموزانی که به‌نظر می‌رسد از چشم مسئولان حوزه آموزش دور مانده؛ اینکه برخی از نوآموزان، در حالی وارد مدرسه می‌شوند که شش سال شان تمام نشده؛ و در عین ناپاوری، برخی دیگر با هفت سال و اندی سن، وارد کلاس اول می‌شوند! این تفاوت سنی، اما نه براساس میزان آمادگی کودک است و نه به تشخیص تخصصی؛ بلکه حاصل چانه‌زنی والدین، خودسری برخی مدیران مدرسه و تصمیم‌هایی کاملاً سلیقه‌ای است.

■ ■ ■

آموزش ابتدایی، فقط یاد گرفتن حروف الفبا و شمردن اعداد نیست؛ آموزش در این مقطع، آغاز شکل‌گیری شخصیت، تقویت ارتباطات اجتماعی و ساختن استقلال فردی کودک را رقم می‌زند. برای همین، سن ورود به مدرسه، صرفاً یک عدد نیست که به آن بی‌توجهی می‌شود. این سن، نتیجه‌سال‌ها تجربه، روان‌شناسی رشد و نگاه تخصصی به نیازهای کودکان است. بدون شک، هر کودکی حق دارد در زمان «درست» وارد مدرسه شود؛ نه آن‌قدر زود که کودکی‌اش قربانی شود و نه آن‌قدر دیر که احساس کند از دیگران جا مانده‌است، اما ظاهراً در نظام آموزشی ما، این حق هم مانند برخی از حقوق دیگر، نادیده گرفته شده و گاهی زیر بار سلیقه‌ها له می‌شود.

■ **تصمیمی از سر ناگاهی!**

مادران برای آینده‌فرزندانشان دغدغه دارند و این دغدغه، گاهی می‌تواند تصمیماتی را به‌دنبال داشته باشد، تصمیماتی که اگر چه از روی عشق گرفته می‌شود، اما ممکن است مشکل‌ساز شود. همانطور که مادر پرهام تصمیم گرفته، او را، که هنوز شش سالش تمام نشده، راهی کلاس درس کند. این خانم جوان درباره دلیل خود برای ثبت‌نام زودهنگام پسرش در مدرسه به «جوان» می‌گوید: «پرهام از خیلی چهار سالگی به پیش‌دستانی رفت، او خیلی حرف‌گویش است و روابط اجتماعی خوبی هم دارد. وقتی دیدم مهر امسال که برسد، فقط یک ماه تا شش‌سالگی‌اش باقی می‌ماند، فکر کردم انصاف نیست به خاطر این یک ماه، یک سال عقب بيفتد. اصلاً دلم نمی‌خواست از همسن و سالانش جا بماند. وقتی پچام‌زنک و آماده یادگیری است و بیشتر از سنش می‌فهمد، چرا باید فقط به خاطر تاریخ تولدش عقب بماند؟»

او با لی‌خند کمرنگش ادامه می‌دهد: «راستش را بخواهید، حرف دیگران هم تأثیر داشت. برخی از آشنایان و فامیل به من گفتند اگر پرهام را دیرتر به مدرسه بفرستیم، عقب می‌ماند و پسران این‌اشتباه را کنیم. برخی از مدارس قبول می‌کنند در صورت تأیید آمادگی پرهام، برای ورود به پایه اول، ثبت‌نامش کنند.

گزارش ۲ زهراچیدری

حاشیه‌های پزشکی انگار پایانی ندارد و هر از چنده‌گاه به‌شکل و شمایل‌های خودش را نشان می‌دهد. ماجرای تعطیلی بخش ناباروری بیمارستان آبان و سرگردانی جنین‌های فریز شده زوج‌های ناباروری که میلیون‌ها تومان برای درمان و شکل‌گیری این جنین‌ها هزینه کرده‌بودند، به‌خاطر این یک ماه، بحران فقدان نظارت بر بیمارستان‌ها و مراکز درمانی را به رخ کشید، چراکه اگر بنایست مرکزی تعطیل شود یا تغییر کاربری دهد، مسئولان آن موظف‌بودند فرآیند انتقال جنین‌های این‌فراهی شده را در شرایط آمین و با رعایت استانداردهای لازم خودشان انجام دهند نه اینکه زوج‌های ناباروری که به‌هزار امید و آرزو فرآیند درمان ناباروری‌شان را طی کرده و هزینه‌های گزافی برایش پرداخته‌اند، ظرفی در دست بگیرند و برای انتقال جنین‌شان شخصاً مراجعه کنند!

■ ■ ■

سال ۹۵ به‌کمب یک بیمارستان خصوصی در منطقه ولنجک تهران حسابی خبرساز شد. طبق توضیحات مرتضی فرجی، رئیس اداره نظارت و بازرسی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی این بیمارستان به هیچ‌عنوان پسران نداشت و در بخش آی سی یو هم که فعالیت عمده این بیمارستان است، در بازدهای مکرر بازرسان دانشگاه علوم پزشکی، پزشک به‌وهی نبود. بیمارستان یادشده سرپرستار و سوپروایزر نداشت و در بخش آزمایشگاه هم فاقد مسئول فنی بود، همچنین رشته‌های غیرمرتبط در آزمایشگاه و رادیولوژی مشغول کار بودند و اصلاً پزشک رادیولوژیست نبود، جالب اینکه در داروخانه هم یک فرد لیسانس ایوب مشغول کار بود بدون اینکه مسئول فنی داروخانه وجود داشته‌باشد! اما ماجرای بیمارستان آبان نشان از این داشت که انگار این ماجراها پایانی ندارد!

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰۸۵۲۳۰



مرحبه سلیمانی ایرانا

من هم که دیدم همه چیز مهیاست، عزمم را جزم کردم که امسال او را به مدرسه بفرستم». اما این نگاه، اگر چه از عشق و حمایت سرچشمه می‌گیرد، اما آن چیزی را که کودک واقعاً نیاز دارد، نادیده گرفته‌است؛ رشد متعادل. بدون شک وجود آمادگی برای تحصیل، تنها یک بعد قضیه است؛ توان بلوغ عاطفی و تاب‌آوری روانی نیز. از آنجا مهمی هستند که شاید در پنج‌سالگی هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته باشند و این مسئله برای کودکانی که زودتر از موعد راهی کلاس‌های درس می‌شوند، دردسرساز خواهد شد.

■ **عشقی فلج‌کننده**

اما مادر مه‌رسا، نظر متفاوتی با نظر مادر پرهام دارد. او به بهانه محافظت از فرزندش، تصمیم گرفته تا مسیر تحصیلی دخترش را یک سال به تعویق بیندازد! حالا مه‌رسا که باید امسال از لحاظ قانونی به کلاس سوم برود، باید در کلاس دوم درس بخواند! مادر او با لحنی پر از تردید به «جوان» می‌گوید: «جسه مه‌رسا در شش سالگی، خیلی کوچک و نحیف بود، احساس می‌کردم اگر مدرسه برود، آسیب می‌بیند. برای همین، با همسرم تصمیم گرفتیم تا یک سال دیرتر ثبت‌نامش کنیم. آن موقع احساس آرامش داشتم، اما حالا که می‌بینم در کلاس دوم، همه درس‌ها را زودتر از بقیه یاد می‌گیرد و حتی از سطح کلاس هم جلوتر است، احساس پشیمانی می‌کنم.»

نگرانی اصلی این مادر اما یک بعد دیگر هم دارد: «یک وقت‌هایی با خودم فکر می‌کنم، اگر مه‌رسا بزرگ‌تر شود و بفهمد که ما خودسرانه برایش تصمیم گرفتیم که یک سال دیرتر به مدرسه برود، چه خواهد گفت؟ حدم این است از ما دلخور می‌شود و می‌گوید فرصت رشد و شکوفایی را از او گرفته‌ایم.»

این روایت، وجه متفاوت دیگری از تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای والدین است. آنها با نیست محافظت، کودک‌شان را از مسیر رسمی آموزش عقب می‌اندازند، بدون آنکه آینده تحصیلی او را در یک بستر طولانی مدت ارزیابی کرده باشند.

■ **مدارس خودمختار**

در کنار والدینی که از روی نگرانی یا به دلیل عجله، تصمیم می‌گیرند زمان ورود فرزندشان را به مدرسه دیرتر دهند، مداری نیز هستند که حتی اختیار را از دست خانواده‌ها می‌گیرند و خودمختار، قانون را زیر پا می‌گذارند. مدرسه‌ای که با قاطعیت به والدین می‌گوید دانش‌آموزی که شش‌سالگی‌اش تمام شده، در مدرسه ما وارد کلاس اول نمی‌شود. ابتدا باید کودکان با شش سال تمام، پیش‌دستانی را بگذرانند و در هفت‌سالگی اگر مدرسه تصمیم گرفتیم تا یک سال دیرتر ثبت‌نامش حتی اگر والدین بخواهند مطابق قانون عمل شود یا واصل گردند، فرزندشان با سن شش سال و اندی مدرسه شود، تغییری در موضع گرفته‌شده ایجاد نمی‌کند. مدیران این مدرسه اعلام می‌کنند که قوانین

جنین‌های سرگردان میان مراکز ناباروری!

سرگردانی جنین‌های فریز شده زوج‌های ناباروری که میلیون‌ها تومان برای درمان و شکل‌گیری این جنین‌ها هزینه کرده‌بودند

یک‌بار دیگر بحران فقدان نظارت بر بیمارستان‌ها و مراکز درمانی را به رخ کشید

حداقل ظرفیت کار می‌کند. تماسم با روابط عمومی وزارت بهداشت هم به پاسخ منتهی نمی‌شود.

■ **واکنش روابط عمومی دانشگاه ایران**

حالا روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی ایران هم ماجرای گم‌شدن جنین‌های فریز شده را تکذیب می‌کند. در بی‌طرح شدن اخباری مبنی بر تعطیلی بخش IVF بیمارستان آبان و گم‌شدن جنین‌های موجود در این بیمارستان، محمدرضا فرنفی‌زاد، مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی ایران، ادعای گم‌شدن جنین‌ها در بیمارستان آبان را رد می‌کند و می‌گوید: «هر اساس گزارش‌های بازرسی‌های انجام‌شده، مخازن نگهداری جنین در بخش IVF این بیمارستان فعال بوده و جنین‌ها در شرایط مطلوب نگهداری می‌شوند.»

به گفته وی مادری که روز گذشته مراجعه کرده‌بود، امروز جنین خود را تحویل گرفت و هیچ مشکلی در این زمینه گزارش نشده‌است.

مدیر روابط عمومی دانشگاه تصریح می‌کند: «بازرسان دانشگاه به مدیر بیمارستان تأکید کرده‌اند که پیش از نظارت دقیق دارد، زیرا هر گونه اشتباه در فرآیند ذوب می‌تواند بر کیفیت جنین تأثیر بگذارد. با چنین اوصافی قطع به یقین بیمارستان و مرکز درمان ناباروری آبان نسبت به حفظ و نگهداری جنین‌های فریز شده‌ای که بابتشان هزینه دریافت کرده‌اند، تعهد دارند و در صورت تعطیلی مرکز بابت هر دلیلی موظف بودند خودشان را آسان‌تر نسبت به انتقال جنین‌هایی که شرایط نگهداری بسیار حساسی دارند و هر گونه تغییری در دما یا شرایط می‌تواند به آنها آسیب بزند، اقدام کنند.

در چنین شرایطی اگر جنین‌هایی که در فرآیند طولانی و هزینه‌بر، برای زوج‌هایی که سالیان سال در حسرت در این مرحله حساس ممکن است به ساختار سلولی جنین آسیب وارد کند و باعث عدم توانایی آن در رشد

روزنامه جوان | شماره ۷۳۶۶

جامانده‌های سال گذشته ثبت شده‌اند. این برای عملکرد سازمان‌ما امتیاز منفی به‌همراه دارد.» بر همین اساس، معاونت ابتدایی مکاتبه‌ای با شورای عالی آموزش‌وپرورش انجام داده تا در آیین‌نامه اجرایی مدارس، بر ثبت‌نام یا شش سال تمام تأکید شود. موضوعی که خانم حکیم‌زاده بدان اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «زودتر از این، واقعاً به نفع دانش‌آموزان نیست. برخی خانواده‌ها عجله دارند، مثلاً می‌گویند فرزندشان نیمه دوم سال به دنیا آمده‌است، اگر اجازه بدهند کودک در زمان مناسب خودش ثبت‌نام شود، قطعاً آمادگی بیشتری کسب خواهد کرد.»

او همچنین درباره پیامدهای ثبت‌نام دیرتر هشدار می‌دهد: «اگر کودکی با شش سال تمام در ثبت‌نام در کلاس اول محروم شود و در گروه سنی بالاتری آموزش را شروع کند، این تفاوت یک‌ساله، در سن کودکی بسیار تأثیرگذار است. چون بحث فقط یادگیری نیست؛ رشد اجتماعی، عاطفی و شناختی هم باید یکپارچه و متوازن دیده شود.»

■ **اجرای ناهماهنگ و نبود نظارت کافی**

اما در پاسخ به سوآلی درباره مدرسی که بر خلاف قانون، پذیرش دانش‌آموز با شش سال تمام را نمی‌پذیرند، خانم حکیم‌زاده تصریح می‌کند: «طبق مصوبه، کودکان شش سال تمام باید در کلاس اول ثبت‌نام شوند و همه مدارس، اعم از دولتی و غیردولتی، موظف به رعایت این قانون هستند. اگر مدرسه‌ای خلاف این موضوع عمل کند، باید موضوع با مرکز نظارت و سازمان مدارس غیردولتی مطرح شود. قرار نیست هر مدرسه، قانون مجزای خودش را داشته باشد.»

سازمان معاون ابتدایی نشان می‌دهد که قانون‌گذاری مشخصی در زمینه سن ورود به مدرسه وجود دارد، اما مشکل از اجرای ناهماهنگ و نبود نظارت کافی در مدرسی ناشی می‌شود که خارج از چارچوب عمل می‌کنند. سلیقه خانواده‌ها نیز اگر چه از دغدغه و محبت سرچشمه می‌گیرد، اما گاهی بدون توجه به آمادگی واقعی کودک، زمینه‌ساز آسیب‌هایی می‌شود که در آینده نمایان خواهند شد.

■ **کودکی میان سلیقه و قانون!**

آنچه در ظاهر تنها یک تاریخ تولد ساده به نظر می‌رسد، اما در عمل، می‌تواند نقطه‌آغاز تفاوتی بزرگ در مسیر آموذی و رشد روانی کودکان باشد.

«در مورد سن ورود به مدرسه، محل شکل‌گیری شخصیت، استقلال و توانایی‌های اجتماعی کودکان باشد، اولین گام ورود به آن نیز باید با دقت، عدالت و رعایت اصول صورت گیرد. مسئولان آموزش‌وپرورش، خانواده‌ها و مدیران مدارس، هر یک مسئول هستند تا از نگاه سلیقه‌ای فاصله بگیرند و کودک را، نه قربانی تصمیمات خود، بلکه محور اصلی تصمیم‌گیری قرار دهند. دیگر وقت آن رسیده که آموزش ابتدایی را همان‌طور که هست، بینیم و با نظارت دقیق‌تر، اجرای یکپارچه و آموزش همگانی، از حق کودکان برای شروعی درست در مسیر آموزش، محافظت کنیم.

و تکامل شود.

در فرآیند فریز کردن، جنین‌ها تحت شرایط خاصی قرار می‌گیرند. برای جلوگیری از آسیب به سلول‌ها در هنگام انجماد، محلول‌های محافظتی استفاده می‌شود. این محلول‌ها شامل مواد شیمیایی خاصی هستند که در فرآیند کاهش بلورهای یخ در داخل سلول‌ها کمک می‌کنند. سپس جنین‌ها به تدریج به دماهای پایین‌تر منتقل می‌شوند تا از شوک حرارتی جلوگیری شود. پس از اینکه جنین‌ها به دمای مناسب رسیدند، به نیتروژن مایع منتقل می‌شوند که دمای برابر با منفی ۱۹۶ درجه سانتیگراد دارد. در این دما، فعالیت متابولیک سلول‌ها متوقف می‌شود و جنین‌ها با انجماد جنین معروف است و به جنین‌ها این امکان را می‌دهد که برای مدت طولانی بدون از دست دادن کیفیت خود ذخیره شوند.

به محض نیاز به جنین فریز شده، آنها به آرامی در دماهای مناسب گرم می‌شوند تا به مرحله قابل استفاده برای انتقال به رحم برسند. این مرحله نیز با دقت و نظارت دقیق دارد، زیرا هر گونه اشتباه در فرآیند ذوب می‌تواند بر کیفیت جنین تأثیر بگذارد.

با چنین اوصافی قطع به یقین بیمارستان و مرکز درمان ناباروری آبان نسبت به حفظ و نگهداری جنین‌های فریز شده‌ای که بابتشان هزینه دریافت کرده‌اند، تعهد دارند و در صورت تعطیلی مرکز بابت هر دلیلی موظف بودند خودشان را آسان‌تر نسبت به انتقال جنین‌هایی که شرایط نگهداری بسیار حساسی دارند و هر گونه تغییری در دما یا شرایط می‌تواند به آنها آسیب بزند، اقدام کنند.

در چنین شرایطی اگر جنین‌هایی که در فرآیند طولانی و هزینه‌بر، برای زوج‌هایی که سالیان سال در حسرت در این مرحله حساس ممکن است به ساختار سلولی جنین آسیب وارد کند و باعث عدم توانایی آن در رشد

گزارش یک

مهارت فراجا

در انطباق روایت با واقعیت

پلیس ایران نگاه فراراهبردی به رسانه‌ها دارد، چراکه با پذیرش مسئولیت‌پذیری رسانه‌ای از ظرفیت آن برای برون‌داد خبری استفاده و خود را به یک بازیگر جدی در رسانه تبدیل کرد. به همین دلیل به سرعت در بازه زمانی بسیار کوتاه آرایش شرایط آنتروپی (غیرعادی) را به‌خود گرفت و از تک‌گذاره میدانی مردم به عنوان حامی استفاده کرد. بدین ترتیب مختصات جامعه جنگ را طراحی و تدوین نمود. اخبار انعکاسی، اخبار تحلیلی و اخبار راهبردی را با نسبت به مخاطب خود (هموطنان) باز تعریف کرد.

در طول جنگ ۱۲روزه، فراجا مخاطب را با فاق گشایی پیوند داد و جان‌بخشی به گزارش‌دهی مردم را عملیاتی کرد، چون نسبت واقعی بین جنگ و ملت را باز آرای کرد. مردم در حرکت کشویی (رفت و برگشت) ضمن پذیرش این نقش، آن را گسترش دادند. کردید و شبکه رسانه‌ای اجتماعی فراجا در فضای مجازی نیز، زیست مستعار و هویت‌های چندگانه جعلی پادوهای رسانه‌ای دشمن را آشکار کرد. پلیس ایران دامنه اتفاقات را به امتداد همه هموطنان وسعت بخشی کرد. در نتیجه سه مؤلفه امید اجتماعی، اعتماد اجتماعی و اقتدار اجتماعی، ضریب گرفت تا تاب‌آوری اجتماعی و انسجام اجتماعی شکل بگیرد.

فراجا، جنگ را از زبان مردم تعریف کرد و ژورنالیسم زنده را تمرین کرد. برگ برنده میدان داری رسانه‌ای را در مدیریت خطر و بحران در دست گرفت و هویتی جدید به نام «مقتدر محبوب» یافت، زیرا با صداقت و مهارت، واقعیت را بر روایت منطبق کرد. تسویش اذهان را مهار و با نروغ بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی در انعکاس اخبار مقابله کرد. مهار فرامتن واقعه را در دست گرفت تا حاشیه‌های مصنوعی، التهاات راشکل ندهند.

درب‌گیری، انگارسازی و نمادسازی خبری ازسوی فراجا در فضای مجازی و حقیقی به موازات یکدیگر با شبیب منطقی، به صورت هم‌افزا عمل کردند. نقطه درخشان دیگر فراجا مهارت در ضد روایت بود. هر زمانی که فضای روانی مسموم، قصد تخریب آرامش روانی جامعه را داشت، بلافاصله با تکنیک ضد روایت، ر مرجعیت رسانه‌ای خود را به دشمنان ملت تحمیل می‌کرد و از بروز گسل‌های اجتماعی که بعضاً ناخواسته و نادانسته ایجاد می‌شد، جلوگیری کرد. کانون‌های تهدیدساز، توطئه‌ساز، بی‌ثبات‌ساز و ناامن‌ساز را شناسایی و متلاشی کرد. شاخص‌های امنیت ملی را تثبیت و از تقا داد، تا وضعیت نامنی و جنگ دائمی را نقش بر آب کند.

تئوریسم گور شهری، تحرکات تجزیه‌طلبانه مرزی، عملیات فریب برای پوشش رسانه‌ای، سلول‌های تروریست، ناامنی ترکیبی و تروریسم نیابتی نتیجه بحران مشروعیت، ضعف بازارزدگی، بی‌نست راهبردی رژیم صهیونی است. فراجا با نگاه اجتماعی محور به کار کرد در رسانه، مخصوصاً بعد از جنگ ۱۲روزه، قالب ناامنی را که در ذهن مוסاد به دنبال فشار امنیتی به داخل شهرها بود، شکست.

سلامت

ابتلای ۵/۵ میلیون ایرانی به کم‌شنوایی

رئیس اداره گوش و سلامت شنوایی وزارت بهداشت با اشاره به ابتلای ۵/۵ میلیون نفر در کشور به کم‌شنوایی گفت: بیش از ۲ تا۵ درصد از کودکان مدرسه‌ای نیز دچار درجاتی از کم‌شنوایی هستند. سعید محمودیان، رئیس اداره گوش و سلامت شنوایی وزارت بهداشت گفت: طبق آمارهای سازمان جهانی بهداشت، حدود ۷۶۰ میلیون نفر در سراسر جهان دچار کم‌شنوایی شدید یا عمیق هستند؛ به‌طوری‌که به تجهیزات کمک‌شنوایی نیاز دارند. این رقم تا سال ۲۰۵۰ میلادی به حدود ۱/۵ میلیارد نفر خواهد رسید.

رئیس اداره گوش و سلامت شنوایی وزارت بهداشت بیان کرد: حدود ۵/۵ میلیون نفر در سطح کشور دچار کم‌شنوایی هستند، اما متأسفانه بسیاری از افراد کم‌شنوایی را جدی نمی‌گیرند. وی گفت: در سال ۱۴۰۳ تولد ۲/۹مورد نوزاد دچار کم‌شنوایی در هر هزار تولد به ثبت رسیده‌است. وی با اشاره به اینکه شکل گسترده آموزش مجازی باعث افزایش استفاده نوجوانان و کودکان از هندزفری و تجهیزات صوتی شده است، گفت: بین ۳ تا۵ درصد از کودکان مدرسه‌ای دچار درجاتی از کم‌شنوایی هستند. با توجه به جمعیت ۱۲ میلیون نفری دانش‌آموزان کشور، اگر به غربالگری شنوایی در سنین مدرسه توجه نشود، این مشکل می‌تواند منجر به افت تحصیلی گسترده شود.

رئیس اداره گوش و سلامت شنوایی وزارت بهداشت همچنین با بیان اینکه حدود ۴۸ درصد سالمندان بالای ۶۵سال در ایران دچار کم‌شنوایی هستند، افزود: در افراد بالای ۸۰ سال، میزان شیوع این اختلال تقریباً به ۱۰۰ درصد می‌رسد.

گزارش یک

کاهش ۴۰درصدی بارش در ایران

بر اساس داده‌های سازمان هواشناسی، کشور در سال آبی جاری تا۶مردادماه،۴۰ درصد با کاهش بارش روبه‌رو بوده و طی این مدت ۱۳۷ میلی‌متری بارش دریافت کرده، این در حالی است که میانگین بلندمدت بارش کشور در این بازه زمانی ۲۲۸/۱میلیمتر بوده‌است. بر اساس داده‌های سازمان هواشناسی طی هفت روز گذشته کشور به ۶مردادماه به‌طور میانگین ۰/۱- میلیمتر بارش دریافت شده که این میزان در بلندمدت ۱/۱میلیمتر است، بنابراین ۹۴/۲ درصد بارش کمتری در این بازه زمانی دریافت شده‌است. از ابتدای ماه جاری منتهی به ۶مردادماه به‌طور میانگین ۰/۱- میلیمتر بارش ثبت شده، در حالی که میزان آن در بلندمدت ۰/۷- میلیمتر است. در نتیجه بارش نسبت به بلند مدت ۹۲ درصد کاهش یافته‌است. از ابتدای فصل جاری منتهی به ۶مردادماه در کشور به‌طور میانگین ۲/۷میلیمتر بارش دریافت شده که نسبت به بارش ۴/۶میلیمتر بلندمدت، ۴۰/۵درصد کاهش یافته‌است. از ابتدای سال جاری تا۶مردادماه به‌طور میانگین ۱۳۷میلیمتر بارش در کشور ثبت‌شده که نسبت به میانگین بلندمدت با مقدار ۲۲۸/۲میلیمتر با کاهش ۴۰ درصدی بارش روبه‌رو بوده‌است. جدول اطلاعات پهنه‌ای بارش استان‌ها از ابتدای سال آبی جاری (اول مهرماه سال گذشته) نمایش می‌دهد: همه استان‌ها نسبت به دوره بلندمدت بارش کمتری دریافت کرده‌اند. با وجود اینکه در حال حاضر سامانه جوی موسنون در جنوب و جنوب شرق کشور فعال است، اما در زمینه بارش نسبت به دوره بلندمدت، سیستان و بلوچستان بدترین وضعیت را تجربه می‌کند، چراکه ۷۳/۴درصد کمتر از حد نرمال طی سال آبی جاری بارش دریافت کرده‌است. همچنین هرمزگان نیز از جمله استان‌های کم‌بارشی است که با اختلاف کمی از سیستان و بلوچستان، کاهش ۷۳/۱ درصدی بارش را داشته‌است. استان تهران نیز با کم‌بارشی روبه‌رو بوده‌است. در حالی که میانگین بارش تهران در بلند مدت ۳۲۰ میلیمتر است، ولی در سال آبی جاری، بارش به‌طور میانگین ۱۴۰/۷ میلیمتر بارش دریافت کرده‌است که نشان‌دهنده کاهش ۴۷/۹درصدی بارش در این استان است.